



# روزنامه رسمی کشور شاهنشاهی ایران

شامل: کلیه قوانین مصوبه و مقررات - گزارش کمیسیونها - صورت مشروح مذاکرات مجلس - اخبار مجلس - انتصابات - آگهیهای رسمی و قانونی.

شماره ۲۸۳

شنبه ۹ اردیبهشت ماه ۱۳۳۳

سال دهم

شماره مسلسل ۶

دوره هجدهم مجلس شورای ملی

## مذاکرات مجلس شورای ملی

جلسه ۶

صورت مشروح مذاکرات مجلس روز ۱۳ شنبه پنجم اردیبهشت ماه ۱۳۳۳

فهرست مطالب:

- ۱) تصویب صورت مجلس
  - ۲) بیانات قبل از دستور آقای عمیدی نوری
  - ۳) طرح برنامه دولت تیمسار سپهبدزاهدی
  - ۴) اجرای مراسم تعلیف از طرف سه نفر آقایان نمایندگان
  - ۵) تعیین موقع و دستور جلسه بعد ششم جلسه
- مجلس ساعت نهمین صبح پرباست آقای رضا حکمت تشکیل گردید

۱) تصویب صورت مجلس  
رئیس - صورت غائبین جلسه قبل قرائت

میشود

(شرح ذیل قرائت شد)

غائبین بی اجازه - آقایان: بزرگ

ابراهیمی - دولت‌شاهی - ساداتی - بروجردی

طباطبائی

دیرآمدگان زود رفتگان بی اجازه -

آقایان: دکتر حسروی - دقیقه معصودی

بیست دقیقه - دکتر مشیر قاضی بیست

دقیقه - دکتر سعید حکمت بیست دقیقه

غائبین در رأی - آقای شوشتری يك

رای - دکتر سید امامی يك رای

رئیس - نسبت بصورت جلسه قبل

نظری نسبت؟ آقای داراب

داراب - عرض کنم تلگرافی رسیده

است از ...

رئیس - بنده عرض میکنم نیست؟

صورت مجلس اگر نظری هست تلگرافی  
اگر میرسد وقتی وارد دستور شدیم بمفرمائید  
(فراهمی - تلگراف لایه راجع بصورت  
مجلس است) در صورت جلسه اعتراضی  
نیست؟ (گفته شد - خیر)

شوشتری - اجازه میفرمائید؟ بنده دیر روز

مرض بودم در کمیسیون حاضر نشدم

رئیس - هریک از آقایان خدای

تغواست - بیزار میشوند بنویسند تا منظور

شود. صورت مجلس جلسه قبل تصویب شد

۲) بیانات قبل از دستور

آقای عمیدی نوری

رئیس - سه نفر از آقایان تقاضای

نطق قبل از دستور کرده اند. آقای عمیدی

نوری

داراب - اجازه میفرمائید تلگراف

را تقدیم کنم

رئیس - هنوز وارد دستور نشده ایم

هر وقت وارد دستور شدیم

عمیدی نوری - همکاران محترم

در این موقع که قوه مقننه کشور چه

هفته هجدهمین دوره مجلس شورای ملی و چه

دومین دوره مجلس سنا آمدگی خود را

بکار اعلام نموده است قبل از اینک

مانند کان و اردکارهای ملکیتی کردیم

وظیفه خود میدانم مراتبی را بعرض برسانم

قوه مقننه کشور ما که متأسفانه در سال

های اخیر دارای چنان تنوری گردید که

معنای واقعی خود را از دست داد زیرا ابتدا

بدست مجلس هفدهم در مجلس سنا را بستند

(فقات آبادی - درش را بستند) و سپس

قدرت مجلس شورای ملی را چه از راه ایجاد

اختلاف شدید در مجلس و چه با وجود

آوردن معیط ربع و وحشت علای از کار

انداختند بهترین مرکز است که باید

مبین و معرف قدرت ملی ما باشد (صحیح -

است) امروز که افتخار عضویت یکی از این

دو شاخه قوه مقننه نصیب ما گردیده وظیفه

ماست قبل از هر چیز بگوئیم موقعیت حقیقی

قوه مقننه را حفظ نموده و حیثیت واقعی آن

را که باید اقرار کنیم بدان لطمه شدید وارد

گردیده اعاده دهیم (صحیح است) زیرا

علاوه بر اینکه با کوشش در این راه تقویت

نیروی قدرت ملی توفیق یافته و ما که خود

نمایند این قدرت معرفی شده ایم بهتر وظیفه

ملی خود را انجام بدهیم قطعاً در تاریخ

مشروطیت ایران دیگر بحساب آندسته از

امانت داران قدرت ملی نخواهیم آمد که

خیانت در امانت کرده اند زیرا تاریخ مشروطیت

ایران نام آتهائی که بنام نمایندگان ملت

در مجلس شورای ملی تعیین - تیار کردن تا

قانون سلب اختیارات قانونگذاری را از

مجلس شورای ملی گذرانیده و اختیارات

قانون را بدست رئیس دولت وقت دادند بنام

خیانتکاران بشروطیت و حکومت ملی تبت

نموده است خواه آنها دکتر و مهندس و

روشنگر خواه مجتهد اهل علم (پیراسته -

صحیح است) پس ما باید سعی نتائیم طوری این

امانت ملی را پس از پایان دوره نمایندگان

بدست ملت ایران بسپاریم که اختلاف ما به

نیکی نامان را برده و کیل امین

و درستکاری محسوب شویم بقیه این جانب

برای اینست که ما بتوانیم این وظیفه مهم

و سنگین را انجام دهیم باید قبل از هر چیز

بگوئیم مفهوم واقعی آن قسمی را که بکلام

الله مجید برای حفظ قانون اساسی آورده ایم

نصب العین خود قرار دهیم تا دچار جریانات

تأسف آورنده ساله اخیر نگردیم زیرا متخلف از

آن علاوه بر اینکه انحراف از اصول

مشروطیت محسوب گردیده قدرت ملی ما

راضی و خودمان را زبون میسازد مارا

دچار همان عواقب سوئی خواهد کرد که نقض

کنندگان قسم که پشت قران مجید نموده

خورده بودند میلا گردیده خود و خانواده

و شهرت و نام خویش را بر باد دادند برای

اینکه ما بتوانیم در حفظ قانون اساسی کوشا

باشیم باید سعی نتائیم حتی المقدور کاری

کنیم از سوء تغییرهایی که از قانون اساسی بعمل

میآید جلوگیری شود و باب اینکه سوء استفاده

هارا یکی بندهم زیرا ما چشم خود دیدیم

بعضی از دکترها و مهندسیان استاد دانشگاه

(میراشرافی - آقای عمیدی نوری اسم

ببرید دکتر شایگان - مهندس رضوی خاتین

را باید اسم برد دکتر معظمی که رئیس

مجلس بود)

چگونه در دوسال اخیر بمعو قانون اساسی

و مشروطیت ما کمر بستند که فقط اراده

خداوند متعال دست دشمنان قران و نقض

کنندگان قسم را از مملکت کوتاه ساخت

مواردی از قانون اساسی که بعضی

از آنها مورد سوء تعبیر دشمنان مشروطیت

در این دوسال قرار گرفت از مدتی پیش

مورد توجه معظلمین بامور حقوقی و قانونی

بوده که برای رفع ابهام و تناقض آن فکری

نموده باشند که بیسوق نیست توجیه نمایند کان  
مستمر مجلس شورای ملی را ملا بیعت در آن  
جلب بنمایم .  
اساسی اصل ۴۹۸ متمم آن از اصول  
قانون اساسی است که مقبل از سواستفاده  
مغالین مشروطیت ما مورد نظر برای  
اصلاح فرار گرفت وهم در این چند سال  
اخیر یعنی از آن اصول وسیله سواستفاده  
هان مطلقین مشروطیت گردیده که از پیراه  
دا هیا اجرای نرفته خود بودند یعنی از  
این اصول ، آنطوریکه باید با مورد اجرا  
فرانسیسگرد و با مورد تفسیر از مرجع غیر صالح  
قرار گرفته است .  
مثلا اصل ۴ صراحت دارد ،  
« عهد انتخاب شوندگان ب موجب  
انتخاب نامه علیحده برای طهران و ایالات  
فلا ۱۲۲ در میان شده است و بر حسب  
ضرورت ترابری تواند یافت ولی ۲۰۰ نفر»  
اولا ۱۲۲ نفر نماینده در مجلس شورای  
ملی نمایم .  
ثانیا بانوجه بکثرت نفوس کشور و  
لزوم رعایت تناسب و با اجازه ای که اصل  
فوق برای ترابری تعداد عهد انتخاب شده  
تا دو برابر نیست ، داده است اقتضاد دارد درباره  
شخص « ضرورت ترابری ، اقدام بعمل آید  
پایانکه اصله چنین صراحت دارد :  
« منتخبین از برای دو سال تمام  
انتخاب میشوند ابتدا این مدت انتخابات  
است که منتخبین و ایالات تمام مدت تهران حاضر  
خواهند شد .  
پس از انقضای مدت دو سال باید  
نمایندگان مجدداً انتخاب شوند و مردم  
مختارند هر یک از منتخبین که بخواهند و  
از آن ها راضی باشند دوباره انتخاب  
کنند .  
با توجه بصراحت اصل مزبور که  
ابتدای دوسال دوره نمایندگی مجلس شورای  
ملی از روزی پیش بینی گردیده که « منتخبین  
و ایالات تماماً در تهران حاضر خواهند شد »  
و توجیه باصل ۴ که « در انتخابات شورای  
را یکصد و هشتاد نفر تعیین نمود این  
نظریه پیش میاید که هنوز میده هیچکس از  
ادوار مجلس شورای ملی بوجود نیامده  
است تمامتهای آن قابل تصور گردد زیرا  
با کسر ۱۲ نفر و کسب تهران بقیه جزو  
منتخبین و ایالات محسوب میشوند که در  
اصل مزبور از روز حضور « تمام » آن ها  
در تهران میده دوسال در نظر گرفته شده  
است که این معنی طبق فرضه این اصل  
تا مجال تحقق نیافته است چنانکه سال  
گذشته از طرف بعضی ها همین مطلب به  
عنوان اینکه مجلس مفهمن قابل پایان  
نیست مورد گفتگو قرار گرفت که باین  
تریب از آن زمان اصل پنجم خود استفاده  
گردید ثانیاً با استناد اینکه در اصل مزبور

رعایت صراحت اصل ۷ کمتر میتوان توفیق  
ب تشکیل جلسه رسمی و تعبیر رای در کار  
های ملکیتی یافت و ثانیاً با اینکه مجلس  
شورایلی بنسابت بر خورود همین مشکل  
ناچار شد با اسم « تفسیر اصل ۷ »  
مقرراتی متناقض آن وضع نماید در نظر  
مطلبین حقوقی و قانونی هم « تفسیر قانون  
اساسی » از طرف مجلس شورای ملی قابل  
غدغه میباشد و هم وضع مقرراتی متناقض  
آن اصل را نمیتوان « تفسیر آن اصل » دانست  
همین جهت در اساس تصبیات فعلی مجلس  
مابا وجود چنین اصلی میتوان خدشه وارد  
ساخت همچنین در اصل ۸ متمم قانون اساسی  
چنین دستور داده شده است ،  
« مدت تعطیل وزمان اشتغال مجلس  
شورایلی بر طبق نظامنامه داخلی مجلس  
بتشخیص خود مجلس است پس از تعطیل  
نیاستان باید مجلس از چهاردم میزان که  
مطابق جشن افتتاح اول مجلس است مفتوح  
و مشغول کار شود » ( رئیس - آقای عبیدی  
نوری وقت شما تمام شد ) چون عرایش بنده  
فوری است اجازه بفرمایید دو صفحه مانده  
تمام کنم ( رئیس - « دقیقه کافی است » ده  
دقیقه اجازه بفرمایید  
رئیس - آقایانیکه باده دقیقه قرائت  
لايه آقای عبیدی نوری موافقت قیام فرمایند  
( عده کثیری برخاستند ) تصویب شد فرمایند  
**عمیلی نوری** - تشکر میکنم طبق  
این اصل برای « افتتاح مجلس » اولاً زمانی  
تعیین گردیده است که چهاردم میزان  
یعنی « چهاردم مهرماه » میباشد و فعلا به  
رعایت این اصل مجلس بنا در چهاردم مهر  
ماه هر سال افتتاح میشود و تشریفات آن  
نیز از هر حیث رعایت میگردد ثانیاً بانصرح  
ب عبارت « مفتوح و مشغول کار شود » چنین  
انتباط میگردد که مجلس شورای ملی نیز  
پس از چهاردم مهر ماه در سالانه ای  
نظیر آنچه که فعلا در مجلس سنا رعایت  
میشود باید از سر بگیرد در حالیکه نه تنها  
این مقررات در مجلس شورای ملی مورد توجه  
قرار گرفته است بلکه خلاف آنچه عمل  
میشود همچنین اصل ۹ متمم قانون اساسی  
صراحت دارد ، « صدور فرامین واحکام  
برای اجرای قوانین از حقوق پادشاه است  
بدون اینکه هرگز اجرای آن قوانین را  
توقیف یا توقیف نماید »  
این اصل یکی از مواردی بود که پادشاهی  
« گزارش هیئت هشت نفری ، مدتی مورد  
دستاویز برای تفسیر قرار گرفت شش ماه  
ملکتردامتشنج ساخته در جایکه با استفاده  
از همین اصل بود که مقررات غلط بسته شده  
مجلس سنارا بادهای « تفسیر قانون » بصحه  
اعلیحضرت همایون شاهنشاه موشع ساخته  
مجلس سنارا هم تعطیل کردند .  
البته ایهامات و تناقضات دیگری نیز  
در بعضی از اصول و متمم قانون اساسی وجود  
دارد که فعلا به استناد مذاکرات امروز انتخاب

اصل حق نفاذ داشته باشند مجدداً دستور  
تشکیل داده و اصول اصلاحی فوق را هم  
مورد نظر مجدد قرار دهند و چون نظر من  
بهر حال انجام اصلاحات لازم در اصول فوق  
میباشد و برای یکبار هم این اصلاحات بعمل  
نیامده است ( شوشتری - صحیح است عدم  
ایتن باین وظیفه علاوه بر انحراف از اصول  
مشروطیت در حکم تخلف از قسمی است که  
سه خورده ایم اینجاب پس از بیعت قانونی  
فوق در این امر مهم اولاً نظر جناب آقای رئیس  
مجلس و ثانیاً نظر موافقت آقایان نمایندگان  
معتبر مجلس را با استناد ماده ۲۰۰ آئین  
نامه مجلس بتعیین بیعتی هر چه زودتر جلب  
منیامیم که اولاد اینخوس مطالبه فوری  
نموده تشغیلی دهد آیا باید کنگره از  
مجلسین غیبه شورا وسنا تشکیل شود یا نه؟  
( عبدالرحمن فرامرزی - مددتر میگویم  
اگر نشود دوره مجلس سنا چه می شود که  
مجلس رای داده دوسال باشد ) و ثانیاً هیئت  
مزبور که در حقیقت کمیسیون همکاران یا  
مجلس سنا خواهد بود با مجلس سنا  
نیز سنا تطابق نظر نمایند  
تا در صورتیکه تشکیل کنگره لازم تلقی  
گردید مقدمات امر تهیه شود ( شوشتری -  
این لازم است ) در پایان این بحث نظر  
بنام خداوند آغاز سخن بکنم خداوندی که  
همکاران محترم آقایان شوشتری و دکتر  
شاهکاران که در جلسه گذشته در اظهار  
اصلاح اصول قانون انتخابات مجلس شورای  
ملی مطالبی فرمودند باین نکته جلب می-  
نماید که هر چند قانون انتخابات از قوانین  
خاصی است که در مجلسین شورا وسنا  
مکان است مورد شور و تصویب قرار گیرد  
والیته در انتخابات وصول طرحهای مفیدی نیز  
در اصلاحات قانون انتخابات طبق نمایان عمل  
ایران میباشیم ولی چون موافقت « تمامه »  
و مدت نمایندگی « در قانون اساسی تعیین  
و تشغیل گردیده مادام که مواد مزبور  
اصلاح نگردیده باشد نمی توان با قوانین  
خاصی در این راه قدمی برداشت و پایانکه  
بادهای خدشه در مقدمات تنظیم قانون  
اساسی نمیتوان از راه تصویب قوانین مادی  
از مصراحت قانون اساسی عدول کرد خصوصاً  
اینکه ملت ایران ضرراً این طرز تفکر را  
در این دوسال از طرف بعضی اژد کترها  
و مهندسان شوروی باف دیده وهمه میدانیم  
چیزی نشده بود با استناد و رژیم  
مشروطه ما از پزیرتفه و تاریخ شش هزار  
ساله افتخار باستانی ماضین طومارهای  
شورایلی و مجلس سنا که پس از تصویب این  
اصول منقد خواهند شد ، ناظر بهمان مجلسین  
سازدهم شورا وسنا میباشد ( شوشتری -  
اشتباه میکنید ) وعده نیز بر محسب عقیده  
دارند که شامل کلیه مجلسهای شورا وسنا  
پس از تصویب این اصل خواهد گردید و همین  
جهت در خود اصل تصریح شده است که  
« یکبار تا اگر بیکمرتبه مجلسین پس  
از تصویب این اصل ب تشکیل کنگره اقدام  
وزیر بدهند » مجلسین در کسب از تصویب این

کیم اعلام جرمی که بر علیه امیر تیمور کلائی  
وزیر کشور دولت مصدق دامد ترغابت  
شود .  
رئیس - در جلسه بعد قرائت خواهد  
شد .  
**قنات آبادی** - حالا که مجانی است  
می تونند ت اطلاع بدم بدهید  
**داراب** - اجازه بفرمایید تلگراف  
را بدهم .  
رئیس - تلگراف هم بمانند برای جلسه  
بعد حالا تلف کنید بیاورند .  
**صفائی** - بنده تذکر نظامنامه ای  
داشتم راجع به قسم میکنیم .  
رئیس - سفر از آقایان باید قسم  
برای همیشه شرفنامه بشم ( میر اشرفی -  
پس بفرستید و دکتر بیاورند ) باینرا بنام  
میکند اگر مطلبی آقایان برخلاف ببلشان  
گفته شد و امیدوارم گفته نشود و بذات  
کسی خوش نیامد آن اقاهم می توانند بیایند  
بشت این تریبون و بنده تمام مطالب و  
اظهاراتشان را گوش خواهم دادوا گرم  
اشتباه نمی شود حتی خود هم فرار  
خواهم کرد که اشتباه کردم مطلب دیگری  
ممکن است بلکه حتی است که اسم عهدهای  
را اینجا خواهم آورد این عهده بعضی ها  
وسبله دفاع دارند یعنی در مجلس نمیتوانند  
حضور پیدا کنند و از خودشان دفاع کنند  
بعضیها نیز در مورد مجلس حاضر بشوند و  
از خودشان دفاع کنند و این جوانمردی  
نیست که اینجا از آن اشخاصی که در مجلس  
نیستند و امکان استفاده از تریبون مجلس  
راندانند راجع به آنها صحبت کنم که  
توانند دفاع کنند متنها را بصحیح این  
است که بنده راجع بفرمایند صحبت می-  
کنم به آن قول شرف میده هم مطلبی که  
راجع باظهارات بنده یا دفاع از خودش  
باشد بنویسد هر قدر هم پینه نامزا گفته  
باشد توهمین کرده باشد بنده می آوم  
نامه را اینجا بفرموانم و اگر جوابی هم دارم  
بعد عرض میکنم  
رئیس - نماینده حق تذکر و شوال  
از نماینده دیگر راندارد آقایانیکه در اینجا  
هستند به چه جوسی از ایشان نباید برده شود  
**پیراسته** - منظور اینست که وسط  
صحبت بنده حرف تزئین اما مغالط بنده  
با آقای نخست وزیر یعنی با برنامه دولت  
جناب آقای نخست وزیر این موضوع موجب  
تعجب بکنده ای شده که از روابط  
صمیمانه بین ایشان و بنده مخصوصاً در  
مبارزات اخیر که با هم بود ایم آگاهی داشته  
و وارد بودند در دوا این چند روز از من سوال  
کردند که تو چرا با روابط دوستانه ای که  
با جناب آقای نخست وزیر داشته ای حالا  
باین برنامه دولت ایشان مخالفت میکنی بنده  
برای توضیح این مطلب هم باید یک مقدمه ای  
باین برنامه دولت ایشان مخالفت میکنی بنده  
عرض کنم اما از من مقدمه مانی نیست که

مذاکرات مجلس شورای ملی  
۴۸  
خارج است زیرا - محتاج بشکل مجلس  
مؤسان میباشد ولی درباره ۱۶ اصل در  
مجلس مؤسان مقدمه در سال ۱۳۲۸ ضمن  
اصل العالی مورخه ۱۸ اردیبهشت ماه  
آنسال تصمیبن اتخاذ گردیده که مینا از نظر  
نمایندگان محترم گذشته استفاده توجیه  
مخصوص دارم ،  
« در مورد اصول چهار و پنج و شش و  
هفت قانون اساسی و تغییر مربوط باصل هفتم  
و همچنین در اصل هشت قانون اساسی و اصل  
نهم و نه متمم آن ( دکتر شاهکار - متمم  
اشتباه است ) قانون اساسی است متمم اشتباه  
نیست جلسه گذشته هم فرمودید بانوجه سابقه  
و قوانینی که نسبت ب بعضی از این اصول وضع  
شده است یکبار هم مجلس شورای ملی و مجلس  
سنا که پس از تصویب این اصل منقد خواهند  
شد بلافاصله پس از رسمیت یافتن مجلسین  
در احوال مزبور تجدید نظر خواهند نمود  
( صحیح است ) و برای این منظور مجلس  
واحدی متمم است در کسب مجلس سنا تشکیل  
داده و اصلاحات لازم را با کثرت دولت  
آراء کلیه اعضاء مجلسین بعمل خواهد آورد  
که برای اولین بار قسمتی از مقررات همین  
مجلس مؤسان بوسیله صدور فرمان همایونی  
دائر بر اعمال مجلسین و دستور آغاز انتخابات  
مجلس ۱۸ و دومین دوره مجلس سنا اجرا  
گردید اینک باید باین موضوع توجه داشت  
که آیا کنگره مورد دستور قانون اساسی  
باید فعلاً تشکیل شود یا نه؟ ( شوشتری -  
البته ) و آیا مجلسین شورا وسنا قلی فیل  
از ورود در هر کار باید باین وظیفه مقرر در  
قانون اساسی اینجاب بمانند باشد ( شوشتری -  
البته ) نکته ای که بیش از همه قابل توجیه  
استدفا یفل توجه مخصوص نمایندگان  
معتبر ما دارم اینست که آیا این کنگره  
مییاستی منحصر ا اعضاضای مجلسین ۱۶  
دوره اول سنا تشکیل شده باشد یا نه؟ و آیا  
اگر آن مجلسین از روشکلیه نمایندگان مجلسین  
دیگر کسب از تصویب این اصل نیز نباید  
امر قانونی اقدام نمایند یا نه؟ ( شوشتری  
حتماً باید بشود ) این یک موضوع قابل معالجه  
است که باید قبل از هر امری حل شده تکلیف  
قانونی ما نمایندگان روشن شود تا خدای  
نگرده اقدامی برخلاف قسمی که خورده ایم  
بعمل نیامد باشد زیرا باین هاقیدیه دارند  
صبارت مندرجه در اصل باین صراحت « مجلس  
شورایلی و مجلس سنا که پس از تصویب این  
اصول منقد خواهند شد ، ناظر بهمان مجلسین  
سازدهم شورا وسنا میباشد ( شوشتری -  
اشتباه میکنید ) وعده نیز بر محسب عقیده  
دارند که شامل کلیه مجلسهای شورا وسنا  
پس از تصویب این اصل خواهد گردید و همین  
جهت در خود اصل تصریح شده است که  
« یکبار تا اگر بیکمرتبه مجلسین پس  
از تصویب این اصل ب تشکیل کنگره اقدام  
وزیر بدهند » مجلسین در کسب از تصویب این

آنها حافظ در آن موقع این دو شعر را گفته  
بنده دیم خلی مناسب است که در اول  
دوره ۱ ( نمایندگان دوره ۱۸ ) صفائی -  
معلوم میشود در ۱۶ به آفاوش گذشته  
و آن این است که اگر مطلبی خدای  
نخواست ببلدق بعضی از رفا خوش نیامد یا  
اگر کسی از رفا مخالفتی با مطالب من  
دارد وسط صحبت بنده فرمایشی نکنند  
و اظهاری نفرمایند علقش هم این است که  
در اتر مبارزات سه ساله اخیر واقفا اصاب  
ما ازین رفته و ممکن است بنده خدای  
نخواست نتوانم خودم را کنترل کنم و  
حرفی بزنم که در نتیجه اسائه ادبی بشود  
برای همیشه شرفنامه بشم ( میر اشرفی -  
پس بفرستید و دکتر بیاورند ) باینرا بنام  
میکند اگر مطلبی آقایان برخلاف ببلشان  
گفته شد و امیدوارم گفته نشود و بذات  
کسی خوش نیامد آن اقاهم می توانند بیایند  
بشت این تریبون و بنده تمام مطالب و  
اظهاراتشان را گوش خواهم دادوا گرم  
اشتباه نمی شود حتی خود هم فرار  
خواهم کرد که اشتباه کردم مطلب دیگری  
ممکن است بلکه حتی است که اسم عهدهای  
را اینجا خواهم آورد این عهده بعضی ها  
وسبله دفاع دارند یعنی در مجلس نمیتوانند  
حضور پیدا کنند و از خودشان دفاع کنند  
بعضیها نیز در مورد مجلس حاضر بشوند و  
از خودشان دفاع کنند و این جوانمردی  
نیست که اینجا از آن اشخاصی که در مجلس  
نیستند و امکان استفاده از تریبون مجلس  
راندانند راجع به آنها صحبت کنم که  
توانند دفاع کنند متنها را بصحیح این  
است که بنده راجع بفرمایند صحبت می-  
کنم به آن قول شرف میده هم مطلبی که  
راجع باظهارات بنده یا دفاع از خودش  
باشد بنویسد هر قدر هم پینه نامزا گفته  
باشد توهمین کرده باشد بنده می آوم  
نامه را اینجا بفرموانم و اگر جوابی هم دارم  
بعد عرض میکنم  
رئیس - نماینده حق تذکر و شوال  
از نماینده دیگر راندارد آقایانیکه در اینجا  
هستند به چه جوسی از ایشان نباید برده شود  
**پیراسته** - منظور اینست که وسط  
صحبت بنده حرف تزئین اما مغالط بنده  
با آقای نخست وزیر یعنی با برنامه دولت  
جناب آقای نخست وزیر این موضوع موجب  
تعجب بکنده ای شده که از روابط  
صمیمانه بین ایشان و بنده مخصوصاً در  
مبارزات اخیر که با هم بود ایم آگاهی داشته  
و وارد بودند در دوا این چند روز از من سوال  
کردند که تو چرا با روابط دوستانه ای که  
با جناب آقای نخست وزیر داشته ای حالا  
باین برنامه دولت ایشان مخالفت میکنی بنده  
برای توضیح این مطلب هم باید یک مقدمه ای  
باین برنامه دولت ایشان مخالفت میکنی بنده  
عرض کنم اما از من مقدمه مانی نیست که

مذاکرات مجلس شورای ملی  
۴۸  
اصل حق نفاذ داشته باشند مجدداً دستور  
تشکیل داده و اصول اصلاحی فوق را هم  
مورد نظر مجدد قرار دهند و چون نظر من  
بهر حال انجام اصلاحات لازم در اصول فوق  
میباشد و برای یکبار هم این اصلاحات بعمل  
نیامده است ( شوشتری - صحیح است عدم  
ایتن باین وظیفه علاوه بر انحراف از اصول  
مشروطیت در حکم تخلف از قسمی است که  
سه خورده ایم اینجاب پس از بیعت قانونی  
فوق در این امر مهم اولاً نظر جناب آقای رئیس  
مجلس و ثانیاً نظر موافقت آقایان نمایندگان  
معتبر مجلس را با استناد ماده ۲۰۰ آئین  
نامه مجلس بتعیین بیعتی هر چه زودتر جلب  
منیامیم که اولاد اینخوس مطالبه فوری  
نموده تشغیلی دهد آیا باید کنگره از  
مجلسین غیبه شورا وسنا تشکیل شود یا نه؟  
( عبدالرحمن فرامرزی - مددتر میگویم  
اگر نشود دوره مجلس سنا چه می شود که  
مجلس رای داده دوسال باشد ) و ثانیاً هیئت  
مزبور که در حقیقت کمیسیون همکاران یا  
مجلس سنا خواهد بود با مجلس سنا  
نیز سنا تطابق نظر نمایند  
تا در صورتیکه تشکیل کنگره لازم تلقی  
گردید مقدمات امر تهیه شود ( شوشتری -  
این لازم است ) در پایان این بحث نظر  
بنام خداوند آغاز سخن بکنم خداوندی که  
همکاران محترم آقایان شوشتری و دکتر  
شاهکاران که در جلسه گذشته در اظهار  
اصلاح اصول قانون انتخابات مجلس شورای  
ملی مطالبی فرمودند باین نکته جلب می-  
نماید که هر چند قانون انتخابات از قوانین  
خاصی است که در مجلسین شورا وسنا  
مکان است مورد شور و تصویب قرار گیرد  
والیته در انتخابات وصول طرحهای مفیدی نیز  
در اصلاحات قانون انتخابات طبق نمایان عمل  
ایران میباشیم ولی چون موافقت « تمامه »  
و مدت نمایندگی « در قانون اساسی تعیین  
و تشغیل گردیده مادام که مواد مزبور  
اصلاح نگردیده باشد نمی توان با قوانین  
خاصی در این راه قدمی برداشت و پایانکه  
بادهای خدشه در مقدمات تنظیم قانون  
اساسی نمیتوان از راه تصویب قوانین مادی  
از مصراحت قانون اساسی عدول کرد خصوصاً  
اینکه ملت ایران ضرراً این طرز تفکر را  
در این دوسال از طرف بعضی اژد کترها  
و مهندسان شوروی باف دیده وهمه میدانیم  
چیزی نشده بود با استناد و رژیم  
مشروطه ما از پزیرتفه و تاریخ شش هزار  
ساله افتخار باستانی ماضین طومارهای  
شورایلی و مجلس سنا که پس از تصویب این  
اصول منقد خواهند شد ، ناظر بهمان مجلسین  
سازدهم شورا وسنا میباشد ( شوشتری -  
اشتباه میکنید ) وعده نیز بر محسب عقیده  
دارند که شامل کلیه مجلسهای شورا وسنا  
پس از تصویب این اصل خواهد گردید و همین  
جهت در خود اصل تصریح شده است که  
« یکبار تا اگر بیکمرتبه مجلسین پس  
از تصویب این اصل ب تشکیل کنگره اقدام  
وزیر بدهند » مجلسین در کسب از تصویب این



اصول حضرت هستند عهد معدودی هم هستند صورت این اشخاص را دادم و اینها را هم شناسم و بوقوع خدمشان می رسد ولی ما ندانیم ۸ ماه گذشته است از قیام ۲۸ مرداد و هنوز این آقایان در فرماندهی و آن کسانی که هزینه آن را بردارنده هنوز کسانی که اغناض کردند آقای وزیر دادگستری به دانستن آن اشخاص که تعریف غیر قانونی در مال دولت بکنند متأسفانه هستند این کار تصرف غیر قانونی در مال دولت بوده است یا غیر اینطور نبود؟ رفتند بدون سازی کردند بنده آمداردم خیلی خوشبخت بود حقیقتاً این موضوع فرمانده را یک روز مفلساً می گویم آمداردم در بعضی جاها جمعیت دوهزار نفر است رای آوردند ۸ هزار نفر مثلا تلگرافهایی از بندر معشور شده یادداشت کرد از طرف دوهزار نفر ناوهای بندر معشور تلگراف ملیه آماده است (موسوی - بندر معشور فقط دوهزار نفر جمعیت دارد) بقول آقای موسوی بندر معشور فقط دوسه هزار نفر جمعیت دارد از طرف دو هزار نفر ناوهای بندر معشور باقی ما تلگراف آمده بود (عبدالمجید صفائی - شاید منظور ناوهای خودرهای و اما ایراد دوم آقای نخست وزیر این است که شاد مستگمانان را تصدیق و تعویف نکرده کسانی که زجر کشیده بودند همه دیده بودند آنها را گنار گذاشته و فراموش کرده اند (واقف - نمایندگان - ما شنیدیم است) و بعد هم رفت: آقایان را که با صاحبان دولت شما قیام کردند و مزینو هم بر سایرین نداشته کار داد بدلیا ممکن است بگویند که این آقایان هم نیستند و او را در اوقات خود باید بنظر درست بنگرند تا در نظر دولت ما

دستور داده است باید پیشقدم باشد در تعدیل ثروت چنانکه اسلام بزرگترین پیشرو تعدیل ثروت است مردم آدمی اینکه که خون مردم را بشبه بکنند برای اینکه چهار تومان بیشتر برود بنده با تمام کسانی که بموقوف اقتصاد وارد بودند صحبت کردم موضوع اقتصادی هم باید بر پایه منطقی و عقلا اصول باشد بنده هم که با سایر رفقا صحبت کردم فکر میکنم حلا معده گرانی امروز تر می تراخ از است حالا میگویند که اگر ارز را از ارزان بکنیم یکدسته ای ورگشت می شوند در وقت نظر بنده با آن طریق که میگویند نخواستند دشالا خدای نخواستند اگر یک کسی از عمدهالتجار و الاهیان یک روز یا پنج یا هفت نفر دو میلیون سه میلیون یا یک میلیون یا بنده هزار تومان ضرر کرد برای خاطر این آقایان باید ملک را بپردازد که اگر فلان بکنیم خدای من شهادت امروز برای زندگی بک نفع در تهران هر چه صرفه جوئی بکنند اقلا ده تومان در روز برای نان و بنیر باید بنده به حال آنکه قوه خرید مردم هم کم است شما برای آن عملی ای که خودش شناس است سالم است کارگر زنده ای است ۴ یا ۵ تومان میدهد در این موقع که گرانی شده ده تومان باید برای نان و بنیرش خرج کند (دکتر جزایری - یک دسته ای گرانی را ندیده اند) بقول آقای دکتر جزایری یک دسته ای گرانی را نمی فهمند و نمیدانند که چنان است حالا آقای نخست وزیر بنده از شما انتظار دارم که بفرمائید بگردن این گرانی چیست روشن و صریح عرض بکنم بدهم چه اقداماتی کرده و برای جلوگیری از این گرانی چه کارهایی خواهید کرد ما مابین چه چیزیم چه روزان چه جور زندگی میکنند آیا مطالب ضرورتاً موضوع اتوبوس رانی است (نایبندگان - صحیح است در این وضع اتوبوس رانی بنده بقدیم دارم که آقایان همه بنده هم عقیده هستند که باید این وضع خراب اتوبوس رانی اصلاح بشود این وضع بلشو و کورس گذاشتن این مسابقه ای که در تهران دیده می شود قابل دوام نیست حالا خوب وسیله کم است ما همین کم است زیاد بکنیم آن وضع سابق قابل دوام نبود باید هم شرکت میشد ولی دو کیلو متر در خیابان های تهران آدم ایستاده منظر ماشین بنده عرض میکنم که یک قسم عمده مردم (نقله اسلامی - جمعیت زیاد است) جمعیت زیاد است این نشود مردم را معطل کرد مردم فقیر و بیچاره هستند بر فرمایید ماشین را زیاد کنند این وضع نشود خوب خیال میکنند که از یک نقطه ای بنظر دیگر برودنی شود و این نیست (میراشرفی - ۵۰۰ تن دیگر به کرده) نفرین یک نفری که بکنند میراشرفی - ۱۰۰ تا اتوبوس (آمده) آقای نخست وزیر

بدر شده) و اما خدمت آقای وزیر راه میرسیم قربان این ملک با این وسعت نه راه آهن دارد نه راه شوسه بنده باکمال ارادتی که به بیستاردم (نظر چند نفر از نمایندگان - مه دازند) باطرف می شود شخصی یک مقررات وضع کرده غلط یا صحیح حتماً غلط هم بوده چون خود او تصدیق نموده است بعضی از کارگران شرکت ملی نفت که حقوقشان را هم گرفته فوسلیه مه داشتند خوب بود می فرستادند به ما سخاقت از لحاظ ظنی هم علتی نداشت (وزیر راه - تعریف) بسیار خوب اگر بنکارگر بیکار حقوقش را بنده و از لحاظ ظنی هم عیبی ندارد بنظر بنده نباید آنجا کار کند بنده نیتانند اما موضوع دیگر چند روز پیش بنده رفتم شهرداری که بپرسم که چرا کالا های ضروری مردم گران است حتماً عیالی که می گفتند می گفتند یک حالتی این است که دادگاهها مجازات شدید برای مرتکبین و گران فروشان معین نمی کنند بنده هم خدمت آقای وزیر عدلیه رسیدم و گفتم که آقای شما البته حق دلالان دادگاهها ندارید ولی بکنند شکری بنده شما خودتان هم جزو توده مردم هستید شما چرا مجازات نمیکنید گفتند که دادگاههای ما میگویند که اگر شدت عمل بخرج بدهیم موجب سوء استفاده بعضی از امواتین شهرداری می شود یک دستگای این از دولت اینطور میگویند دستگاه دیگر کارگران است صورت در این دستگاه ۳۰ نفر ۴۰ نفر که مورد اعتماد هست آنها را بگذار بدس کار یک مبارزه ای باین گرانی بکنید بنده برای بیشتر از چهارم و چهارم وقت کیلومتر حوزی انتخابیه خودم که ۱۸۳ هزار نفر جمعیت دارد در همان زمان چهارم وقت کیلومتر حوزی راه ساخته میشود این شهر سازه بتم وصل می شود خدمت آقای نخست وزیر عرض کردم بکنند چشم خدمت بیستار وزیر راه عرض کردم گفتند (مقامی - از کجا بیرون دارند) در این روش فراسای بازی را بکنند این جاده شاید چهار صد هزار تومان خرجش باشد حالا بنده هزار تومان خرجش کرده ولی هر سال ۲۰ هزار تومان در هر صورت مردم نه راه آهن دارند نه راه دارند نه راه آهن که نیست ماره که نداریم وسیله که نداریم مردم چکار کنند مایک اولهای داشتیم برای جام آب سازه در این دستگای بود می خواستیم وسیله راه آهن بیاریم می گفتند که راه آهن رفته است نفت بیارند بنابراین به عقیده بنده باید اقدام عاجلی را برای گرانی بکنند همینطور که مردم ایران رفیق با احساسات نگاه داشت شکم گرسنه ایان ندارد باید یک نفری بکنند شکم مردم پر باشد بنده راجع به آقای وزیر دادگستری عقیده دارم آن کاری که باید در دادگستری بشود نشده اولاً بنده بنده هیچک از قوانین دکتر

وزراء مامعطل بودیم که مجلس باید باز باشد و این مجلس اجازه بنده که هموزره معاکه بشوند راجع ببقیه چه فرمائید و کلاً که غیر از زمان و کالت مصونیت نداشتند اصل روزانه قانون اساسی گفته که وکیل از زمان و کالتش مصونیت دارد و باید معاکه آنها با اجازه مجلس باشد پس حالا که دوره آن مجلس تمام شد آنها را چرا تعقیب نکرده امین مشمول مرور زمان هم که نشدند چرا تعقیب نکرده امین وقتش و وزیرش را بنیادین توی زندان مردم را چه جور زجر می دادند بنیادین که انواع زجرهای قرون وسطائی را با آنها دادند این اصالدار که دکتر معصوم کرد و وزری او هم نیکرود خوب بنده از ما مؤمنان دولت این کارها را میگردند اینها را کشته مردم پرورند تا بیچاره اجرای مقاصد اشخاص فرار بگیرند (مهندس جفرویی - اینطور نیست) معین معصوم است (مهندس جفرویی - عرض میکنم اینطور نیست) دانشگاه باید معصوم و مقدس باشد این برنامه تحصیل شما آقای وزیر فرهنگ بسیار خراب است (میراشرفی - اتفاقاً وزارت فرهنگ از همه بهتر کار کرده است) این برنامه مستعمراتی است ما دولت را شایسته دانستیم که برنامه فرهنگ را عوض کنید این برنامه مستعمراتی است صد سال است در ایران دارد اجرا می شود (صفا - آقا برنامه مستعمراتی فرمائید) برنامه و اساس و خرابی است که هیچ پایه و اساسی ندارد برنامه ای است که صدسال پیش در اروپا تدریس میکردند عیب این برنامه این است که هر روز ده هافتر می آیند سران امر از کار می خوانند فقط این اشخاص آماده شدند که پس از فراغت از تحصیل استخدام بشوند و ما هم که نمی توانیم استخدام بکنیم و باعث این شده بودند که مملکت را بسقوط برسانند تا یک چند روزی ماستها کشیده بودند و یک چند نفری از آنها را هم گرفته و حالا برای این که شما مجازات نکرده بسهل انکاری کرده بوش بوش یک چیزی هم طلیکان را و حالا چند بندر دو دیگر حقوق ایام گذشته را از شما خواهند گرفت و کار هم خواهند خواست یک نفری را شنیدم که چند روز است اینطور آن طرف می رود که با دولت رابطه پیدا کند و آن آقای لطفی است (میراشرفی - آقای قائم مقام الملک هم می رود ستانور بشود) و این آقای لطفی اگر اظهاری در مقابل این مطالبی که عرض میکنم دارد میتواند بنویسد و بنده به بنده و بنده خودم خواهم خواند ایشان قبل از ۳۰ میرگشته نگر کرد که دولت معدن السلطنه سقوط خواهد کرد بنویسد که نفر از آقایان در دیوان کشور با بنده ملاقاتی کرد تقاضای این بود که ما او را نفوت کنیم که بشود وزیر دادگستری و بعد بنده گفت که من توجیح هستم معذرته تکرار کرد که اگر بگویند

مستثنی از فرستادن شاگرد به خارج باشیم (صحیح است) بویاید حتماً جوانهای مملکت ما مستثنی باشند از اینکه پول بدهند و در خارج درس ببخوانند حتماً باید اینطور باشد ولی بنده بجنابهای عرض میکنم که شاید یک دسته ای معترف هستند و میدانند کسانی هستند در دانشگاه که وقتی یک دیکته فارسی را بهشان بگویند غلطی نویسد اگر هر کس گفت نه یک جلسه ای تشکیل می دهیم آقای مهندس جفرویی شامهم تشریف داشته باشید آقای دکتر عیبه هم تشریف داشته باشند آقای فرامرزی هم تشریف داشته باشند او را امتحان کنید (بکفر از نمایندگان - د کتر در چه هست) د کتر در حقه بازی د کتر در حقوق و ادبیات این دانشگاه را باید تصفیه کنید باید اجزاء نهد که جوانهای مردم پرورند تا بیچاره اجرای مقاصد اشخاص فرار بگیرند (مهندس جفرویی - اینطور نیست) معین معصوم است (مهندس جفرویی - عرض میکنم اینطور نیست) دانشگاه باید معصوم و مقدس باشد این برنامه تحصیل شما آقای وزیر فرهنگ بسیار خراب است (میراشرفی - اتفاقاً وزارت فرهنگ از همه بهتر کار کرده است) این برنامه مستعمراتی است ما دولت را شایسته دانستیم که برنامه فرهنگ را عوض کنید این برنامه مستعمراتی است صد سال است در ایران دارد اجرا می شود (صفا - آقا برنامه مستعمراتی فرمائید) برنامه و اساس و خرابی است که هیچ پایه و اساسی ندارد برنامه ای است که صدسال پیش در اروپا تدریس میکردند عیب این برنامه این است که هر روز ده هافتر می آیند سران امر از کار می خوانند فقط این اشخاص آماده شدند که پس از فراغت از تحصیل استخدام بشوند و ما هم که نمی توانیم استخدام بکنیم و باعث این شده بودند که مملکت را بسقوط برسانند تا یک چند روزی ماستها کشیده بودند و یک چند نفری از آنها را هم گرفته و حالا برای این که شما مجازات نکرده بسهل انکاری کرده بوش بوش یک چیزی هم طلیکان را و حالا چند بندر دو دیگر حقوق ایام گذشته را از شما خواهند گرفت و کار هم خواهند خواست یک نفری را شنیدم که چند روز است اینطور آن طرف می رود که با دولت رابطه پیدا کند و آن آقای لطفی است (میراشرفی - آقای قائم مقام الملک هم می رود ستانور بشود) و این آقای لطفی اگر اظهاری در مقابل این مطالبی که عرض میکنم دارد میتواند بنویسد و بنده به بنده و بنده خودم خواهم خواند ایشان قبل از ۳۰ میرگشته نگر کرد که دولت معدن السلطنه سقوط خواهد کرد بنویسد که نفر از آقایان در دیوان کشور با بنده ملاقاتی کرد تقاضای این بود که ما او را نفوت کنیم که بشود وزیر دادگستری و بعد بنده گفت که من توجیح هستم معذرته تکرار کرد که اگر بگویند

مستثنی از فرستادن شاگرد به خارج باشیم (صحیح است) بویاید حتماً جوانهای مملکت ما مستثنی باشند از اینکه پول بدهند و در خارج درس ببخوانند حتماً باید اینطور باشد ولی بنده بجنابهای عرض میکنم که شاید یک دسته ای معترف هستند و میدانند کسانی هستند در دانشگاه که وقتی یک دیکته فارسی را بهشان بگویند غلطی نویسد اگر هر کس گفت نه یک جلسه ای تشکیل می دهیم آقای مهندس جفرویی شامهم تشریف داشته باشید آقای دکتر عیبه هم تشریف داشته باشند آقای فرامرزی هم تشریف داشته باشند او را امتحان کنید (بکفر از نمایندگان - د کتر در چه هست) د کتر در حقه بازی د کتر در حقوق و ادبیات این دانشگاه را باید تصفیه کنید باید اجزاء نهد که جوانهای مردم پرورند تا بیچاره اجرای مقاصد اشخاص فرار بگیرند (مهندس جفرویی - اینطور نیست) معین معصوم است (مهندس جفرویی - عرض میکنم اینطور نیست) دانشگاه باید معصوم و مقدس باشد این برنامه تحصیل شما آقای وزیر فرهنگ بسیار خراب است (میراشرفی - اتفاقاً وزارت فرهنگ از همه بهتر کار کرده است) این برنامه مستعمراتی است ما دولت را شایسته دانستیم که برنامه فرهنگ را عوض کنید این برنامه مستعمراتی است صد سال است در ایران دارد اجرا می شود (صفا - آقا برنامه مستعمراتی فرمائید) برنامه و اساس و خرابی است که هیچ پایه و اساسی ندارد برنامه ای است که صدسال پیش در اروپا تدریس میکردند عیب این برنامه این است که هر روز ده هافتر می آیند سران امر از کار می خوانند فقط این اشخاص آماده شدند که پس از فراغت از تحصیل استخدام بشوند و ما هم که نمی توانیم استخدام بکنیم و باعث این شده بودند که مملکت را بسقوط برسانند تا یک چند روزی ماستها کشیده بودند و یک چند نفری از آنها را هم گرفته و حالا برای این که شما مجازات نکرده بسهل انکاری کرده بوش بوش یک چیزی هم طلیکان را و حالا چند بندر دو دیگر حقوق ایام گذشته را از شما خواهند گرفت و کار هم خواهند خواست یک نفری را شنیدم که چند روز است اینطور آن طرف می رود که با دولت رابطه پیدا کند و آن آقای لطفی است (میراشرفی - آقای قائم مقام الملک هم می رود ستانور بشود) و این آقای لطفی اگر اظهاری در مقابل این مطالبی که عرض میکنم دارد میتواند بنویسد و بنده به بنده و بنده خودم خواهم خواند ایشان قبل از ۳۰ میرگشته نگر کرد که دولت معدن السلطنه سقوط خواهد کرد بنویسد که نفر از آقایان در دیوان کشور با بنده ملاقاتی کرد تقاضای این بود که ما او را نفوت کنیم که بشود وزیر دادگستری و بعد بنده گفت که من توجیح هستم معذرته تکرار کرد که اگر بگویند

مستثنی از فرستادن شاگرد به خارج باشیم (صحیح است) بویاید حتماً جوانهای مملکت ما مستثنی باشند از اینکه پول بدهند و در خارج درس ببخوانند حتماً باید اینطور باشد ولی بنده بجنابهای عرض میکنم که شاید یک دسته ای معترف هستند و میدانند کسانی هستند در دانشگاه که وقتی یک دیکته فارسی را بهشان بگویند غلطی نویسد اگر هر کس گفت نه یک جلسه ای تشکیل می دهیم آقای مهندس جفرویی شامهم تشریف داشته باشید آقای دکتر عیبه هم تشریف داشته باشند آقای فرامرزی هم تشریف داشته باشند او را امتحان کنید (بکفر از نمایندگان - د کتر در چه هست) د کتر در حقه بازی د کتر در حقوق و ادبیات این دانشگاه را باید تصفیه کنید باید اجزاء نهد که جوانهای مردم پرورند تا بیچاره اجرای مقاصد اشخاص فرار بگیرند (مهندس جفرویی - اینطور نیست) معین معصوم است (مهندس جفرویی - عرض میکنم اینطور نیست) دانشگاه باید معصوم و مقدس باشد این برنامه تحصیل شما آقای وزیر فرهنگ بسیار خراب است (میراشرفی - اتفاقاً وزارت فرهنگ از همه بهتر کار کرده است) این برنامه مستعمراتی است ما دولت را شایسته دانستیم که برنامه فرهنگ را عوض کنید این برنامه مستعمراتی است صد سال است در ایران دارد اجرا می شود (صفا - آقا برنامه مستعمراتی فرمائید) برنامه و اساس و خرابی است که هیچ پایه و اساسی ندارد برنامه ای است که صدسال پیش در اروپا تدریس میکردند عیب این برنامه این است که هر روز ده هافتر می آیند سران امر از کار می خوانند فقط این اشخاص آماده شدند که پس از فراغت از تحصیل استخدام بشوند و ما هم که نمی توانیم استخدام بکنیم و باعث این شده بودند که مملکت را بسقوط برسانند تا یک چند روزی ماستها کشیده بودند و یک چند نفری از آنها را هم گرفته و حالا برای این که شما مجازات نکرده بسهل انکاری کرده بوش بوش یک چیزی هم طلیکان را و حالا چند بندر دو دیگر حقوق ایام گذشته را از شما خواهند گرفت و کار هم خواهند خواست یک نفری را شنیدم که چند روز است اینطور آن طرف می رود که با دولت رابطه پیدا کند و آن آقای لطفی است (میراشرفی - آقای قائم مقام الملک هم می رود ستانور بشود) و این آقای لطفی اگر اظهاری در مقابل این مطالبی که عرض میکنم دارد میتواند بنویسد و بنده به بنده و بنده خودم خواهم خواند ایشان قبل از ۳۰ میرگشته نگر کرد که دولت معدن السلطنه سقوط خواهد کرد بنویسد که نفر از آقایان در دیوان کشور با بنده ملاقاتی کرد تقاضای این بود که ما او را نفوت کنیم که بشود وزیر دادگستری و بعد بنده گفت که من توجیح هستم معذرته تکرار کرد که اگر بگویند

احترام لباس سربازی باید موقوف باسند باید این لباس مورد احترام باشد ناپایب مردم بگویند که نظامی ها همه اش ان دروم بلدم می کنند مردم باید نظامی را دوست داشته باشند اگر دکتر مصدق یک کسی را بیرون کرده است بیاید در امر اما که کتد طبق قانون طبق قوانین مجلس با مادی از مجلس بگذرانند یک کاری بکنند نسبت بکار فقات کار انفران کار همه تمام آتاهائی که در زمان مصدق با آنها این هلد هلد اگر بیک کسی یک تعلق کرده اورا معاکه و معکوم بکنند یک سبزی فروش را بدون اعلام اتهام و بدون استماع دفاع نیشود معکوم کرد بدون اعلام اتهام ودفاع میشود معکوم کرده میشود یا کسی فریوش را بدون اعلام اتهام با و استماع دفاع معکوم کرد شا خطور اجازه میدهد بدون استماع دفاع بدون اعلام اتهام بدون اینکه فگاهی کرده باشد مجازات بیست آخر هینطور مجازات شود که نیشود آخراین متهم خودش باید بداند که چه کرده و دیگران هم بداند که چه کرده تا دیگران نکنند و جبر بگیرند آخر ما رفت بدانیم که اینجا چه کرده اند یک کسی رفته است و از تیانه یک آدمی خوشش نیامده است گفته است که این آقای باید از کار برکنار باشد بخودش هم نگفته اند بهرحال آقای نخست وزیر تصمیم بگیرند اینجا کمال فدکاری را برای شا و برای ملک کرده اند آنها قیام کرده اند زجر کشیده نداشتیم تصمیم بگیرند آنها آدمهای ناصالحی در میان آنها هست طبق قوانین مصوب مجلس شورایی معاکشان بکنیم من مخصوصاً از جناب آقای وزیر دفاع ملی که میدانم چند بارش و ملک علاقه دارند عرض میکنم (صحیح است) یک کاری کنید که باز نشستی از صورت مجازات خارج شود باز نشستی یک مرحله بسیار شریف صر یک سرباز و با یک مستشار دولت است (صحیح است) نباید که صورت مجازات داشته باشد، هینطور آقای وزیر کار باید این را بداند که وظیفه سنگینی را بعهده دارند، قانون کار بسیار قانون ناصحی است و ضمانت اجرا ندارد، آقایان نمیانام به حمایهای خارج میروند با حمایهای منزل، بنده که میروم حمام خارج، این کارگران حمام روزی ۱۸ ساعت کار میکنند و اینها در مدت کوتاهی ازین میروند آقای وزیر کار از دوستان خیلی صمیمی بنده هستند و در مجلس هم دوستان صمیمی دارند باید متوجه باشند که وزارت کار از اینصورت که هست خارج شود اگر واقعا برای مردم کار نکنند و قانون کار را نگذرانند بدانند که مورد پشتیبانی رفا نخواهند بود

رئیس - آقای پیراسته در ضمن بیان خود در برنامه تحمیلات مصادف سگله

مستمراتی ذکر کردند. لازم است تذکر داده شود که بعد از آنکه کشور کهن سال ایران در طی همین وتاریخ چند هزار ساله خود را نعمت استقلال با عبات خداوند برخوردار بوده است (صحیح است) نقایس و معایب برنامه تصویبی را که البته آقای وزیر فرهنگ اهتمام خواهند کرد مرتفع شود مجلس ذکر شود توضیح میدهم بنده نیست که کارمند بی اثر بوجود بیاید رئیس - بسیار خوب همانطور که گفتید اصلاح می شود آقای مشایخی بفرماید.

مشایخی - من بادتو تیمارسهید زاهدی و بر نامه ایشان که در معرض نقضات مجلس شورای ملی گذارده شده مواضع (میراشرافی - من موافقت) صحیح است مواضع من از دو نقطه نظر است که قلملاً مورد تأیید نمایندگان معترم وقایع ملت ایران وتام وطن پرستان است (عبدالرحمن فرامرزی - شا خودتان تنها) بنده خودم و شما وتام وطن پرستان (زنگ رئیس) رئیس - آقای مشایخی بین الاثین حرف زنید.

میخواهد خانواده خودش را از خود راضی نگهدارد. ما کلاه علافند هستیم که مو کلبان از مار راضی باشند خدمتگذار کشورشان باشم و برای ملککنان میباشیم بنابراین معذور نیست که بگویم یک کسی رئیس الوزراء بوده است نتوانست است خدمتی بکند میخواست است خدمت کند ولی مواضع ومشکلاتی ایجاد شده است که نتوانست است در مقابل آن مواضع ومشکلات مقاومت کند و رفق کنده مانع خارجی و داخلی بهر کیفیت در مقابل او بود و مو کلبش لنگ شده در نتیجه مجبور باستقامت شده یاجاس او را بر کنار کرده بنابراین برای اجرای برنامه های اصلاحی نتوانست کافی نیست توانست هم شرط کافی و لازم است که من معتقدم کسانی که میخواهند زمام امور ملک را بدست گیرند باید قدرت اراده و اتخاذ تصمیم داشته باشند تا بتوانند از مشکلات عبور کنند. توانند ازین بهتاهای عبور کنند تا بتوانند خدمتگذار ملک باشند (یک نفر از نمایندگان - مثل آقای سید زاهدی) و این شرایطی که من گفتم در وجود آقای سید زاهدی بعد از اصلاحی صراحت دارم و معتقدم که این مردم در مؤثری است. مردی است که برای احیای این ملک و تأمین این کشور مردانه قیام کرد و حالا هم بتواند با پشتیبانی شا نمایندگان مجلس شورایی برنامه اش را اجرا کند (صحیح است) عرض میشود که در مقدمه من گفتم که از دو نقطه نظر بادتو ایشان مواضع یکی هم از لحاظ اوضاع واحوال کنونی ملک برای است که در گذشته داشتیم اوضاع واحوالی است که در حال حاضر برای ما ایجاد شده است، اکثر دولتهائی که از بدو مشروطیت تا کنون زمام امور را در این ملک بدست گرفته اند و برنامه آنها مورد تأیید مجلس شورای ملی واقع شده بقیه من مردمان وطن پرستی بوده اند، حسن نیت داشته اند علافند باصلاحات بوده اند، میخواهند یک خدمت برای ملک انجام بدهند میخواهند احتیاجات روز را انجام بدهند و مردم را از خودشان راضی کنند. مسلماً تمام برنامه های مشتی که آنها به مجلس دادند شامل موادی بود که با احتیاجات روز با خواسته های ملت ایران، با توقعات نمایندگان دوره مربوطه مجلس شورای ملی مطابقت میکرد اما مع الاسف باید بگویم که ۵۰ سال از مشروطیت گذشته است ولی دولتهای توفیق نیافته اند تمام با قسمت مهم برنامه شان را اجرا کنند چرا؟ تصور میفرمائید میخواستند اند نمایندگان مجلس را قریب بدهند یا علافند بخدمت نبوده اند خیر قطعاً کمال علافندی را داشتند، میل داشتند برنامه شان اجرا شود، خیلی ساده است زیرا هر فردی علافند است نسبت بجایه خودش خدمتگذار باشد و زمین خانوادگی

را تسخیر کردیم اما حمله مصدق بر تیمایت این ملک از حمله چنگیز منول واز جمله پیشووری خطرناک تر و آتایان چرا تأیید نمیکنند بدو بطور (مهدای از نمایندگان - صحیح است) (د کتر جنابری - باین شدت هم نبود) (خنده نمایندگان) قطعاً بوده من ثابت میکنم متأسفانه هم که یکساعت بیشتر حرف زدن ندم و اولاد لائل بیشتر عرض میکردم. دولت گذشته برای اینکه مردم این ملک را فریبدهد برای اینکه از قدرت و اراده نیروی احساسات ملت بپاشی بیرون نیست تأمل بفرمائید آقایان بیرون نرود که جلوه از اکثریت بیفتد (پس از لحظه ای اکثریت حاصل شد) بفرمائید آقای مشایخی

مشایخی - آقایان نمایندگان معترم من بنام ملت ایران از طرف ملت ایران خواسته ایم و بیام مردم این ملک را بدولت آزاد جهان، بان کسانیکه طرفدار صلح هستند، بان مالکی که صلح دنیا را عمل کردند که پایدار بماند، بدول آمریکا و انگلیس بان مالکی که با صاف دوستی میزند بان دولتی که پلریوزی به مانا دارند، بان مالکی که سران آن در گرفتاریست تهران استقلال ایران را تعیین کردند (یک نفر از نمایندگان - ایران) به بشید، ایران میگوید ملت ایران همه چیز خود را در زمان جنگ فدای شا کرد، راه آهن را بشاداد، طرق و شوارع را داد، خطوط را بنظر تلگراف و آذوقه اش داد

۱۰ سال عمر و میت کشیدیم. ۱۰ سال گرفتاری و غمناکیم در این پنجدهم مردم کشیدند خود اراده و احساسات مردم این مواضع خود کسک خواست و حقیقتهم بمصدق واقعی کله حق براد بها باطل در این عبارت موجز و مختصر مفید یعنی کله ملی شدن نفت نهفته بود چرا؟ برای اینکه هیچ فرد ایرانی راضی نیست که در روزی از طالی منداب سیاه در ملک است و بیعت و بیگانه جریان پیدا کند و مردم این ملک در فقر و فاقه زندگی کنند آقایان میدانند که چرا در مصدق جمع شدند کسانیکه دروا جمع شدند برای یک فکر بود او میگفت دولت ایران مافتر را ملی نمیکند و در حدود قوانین مربوطه از مغان رفت بهره برداری میکنند روزی سید هوزا لیده فایده یافت ملک میشود باین بول ملک را بهشت برین میکنند، ملت ایران هم همین را میخواست، اما من باز باید بگویم که ایشان ظاهر بگفتند ولی نخواستند، ایشان منظور دیگرش را نخواستند بدو است فریاد می داد دوامه داشت اول نفث را ملی میکنند دوم قانون انتخابات را اصلاح میکنند - بنده معتقدم که این برنامه برنامه ظاهریش بود و او یک برنامه معرمانه داشت و این برنامه ظاهری را برای حصول نتیجه آن برنامه باطنی داد حالا ثابت می کنم که کوشش در ایجاد نفق و اختلاف و بی نظمی و عدم امنیت سلب آزادی و دموکراسی و اختناق مطبوعات قیام و اقدام بر علیه حکومت ملی، سوء نیت بمقام شامخ سلطنت از ملین برین رژیم سلطنت دایران واستقرار حکومت خود خواهانه جمهوری بنفع خودش این برنامه معرمانه او بود و بنده توضیح می

کرده بود و نفی شده بود که ملت ایران چه میخواست، آقایان ملت ایران میخواست که نفت ملی بشود و از آن بهره برداری بشود، ملت ایران انواع بدبختیا کشیده بود من از پیش این تریبون بمل آزاد جهان ببلال طرفدار صلح و آزادی دنیا، به ملت دموکراسی...

دعم و میگویم اصلا نفت را آورد برای اینکه از این اول شروع کند و باخر برساند و روی کرسی صدارت جمهوری بنشیند بنام رئیس جمهور دیکتاتور می کند شوشری - خدای تعالی.

میراشرافی - آقای مشایخی این حرفها گفتنش نسبت اسم جمهوری را نابودید.

عبدالصاحب صفائی - بر درود بیوار ها نوشتند مگر یادتان رفته.

مشایخی - بزرگ مقدمه یک دوره اختناق بود، شا بزرگترین مبارزتان را کردید با رفقای خودتان، اما ملت ایران از پیش این تریبون سابق را شنید، توی روزنامه ها میخوانند دنیا هم نمیداند من رفات موقع او در توی مجلس، در این جلسات مجلل بالا برین وظیفه ملی و بهترین چیزی معترترین خدمت باین اجتماع این را میداند که آن چیزی را که مورد انتقاد ملت ایران بوده است از اینجا بسم جهانیان برسانم، بنا بر این معنی است که کاملاً لازم است (شوشری - لغات راهم فارسی بگوئید) صیدت توی - موقع اعلام جرم بفرمائید) عرض کنم وقتی که کتر مصدق برنامه اش مطرح شد تمام منظورش این بود که برنامه معرمانه خودش را کاملاً اجرا کند، تمام مساعیش را بکار برد برای ایجاد نفق و اختلاف خیلی ساده عمل کرد و آن این بود که حزب متعلقه خود را آزادی عمل داد (یک نفر از نمایندگان - حزب ایران) بهرحال بنگان در اطراف برنامه دولت کتر مصدق یک نظری دارم خیلی سنگین خواهد بود فلی استمدادم گوش کنید ایا گرسصح بود که هیچ و اگر اشتباه کردم مرا متوجه کنید (دکتر شاهکار - برنامه سید زاهدی مطرح است) آن برنامه ارتباطی باین برنامه دارد و بنده ثابت میکنم که برنامه آقای سید زاهدی در واقع دولت کتر مصدق است و این راهم گفت چون این برنامه اصلاحی است عرض میکنم کتر مصدق که برنامه اش را به مجلس داد دوامه داشت اول نفث را ملی میکنند دوم قانون انتخابات را اصلاح میکنند - بنده معتقدم که این برنامه برنامه ظاهریش بود و او یک برنامه معرمانه داشت

مقصود او فقط این بود که در دوره مقدمه از نمایندگان اختیار بگیرد و آخرش هم موفق شد، من قطع دارم یکسره از آقایان بنیاد کرده و تجاوز میکند بکارخانه ها و دانشگاه ها و دبستانها و دبیرستانها و رسیده جناب آقای وزیر فرهنگ دبیرستان های دختران البته تصدیق میفرمائید بعد نفوذ کرده به شهرستانها و از شهرستانها هم گذشت بدعات تجاوز کرد همین دهات اطراف تهران در حوزه انتخابیه خود بنده بالکلین بهره مالکانه نمیداند آنها را از ده بیرون می زند و می زند و کس حق حرف زدن ندارد، متوجه او تمام دوستیها و این نفق و اختلاف ایجاد یک دوستی چند دستگی بین تمام طبقات مردم این ملک بود و باین ترتیب در آن قسمت اول باید معرمانه برنامه توفیق پیدا کرد با اجازه دادند که برای اختناق مطبوعات رفات دنبال قسمت دوم و اولی و نوبتند گان دست به عمل گذارد و دبیرم آنها را که کرد، چه کرتام صدا ها را که از حلقوم آزاد بخوانان بیرون بیاید شفه کرد، تمام قلبها را شکست، آقایان مدیران روزنامه ها بتره میبندید، شاهها باید بنویسید من از شا ناامیضم لایع و هر گز اختیارات از زمین پس تحصیل میکنند برخلاف اصول قانون اساسی است بنده معتقدم اختیاراتی که داده شده بود منتشر شود مارک اجنبی پرستی و انگلیس خواهی و جوجه استوکس و جاسوس هوش چسباند و باین ترتیب روزنامه نوسها را مرعوب کرد و مقاصد خود را از نظر اختناق مطبوعات عملی کرد، راجع باین قسمت بنده توضیحی نیدم در هر حال منظور من این بود که بشام معنی آزادی را از مردم ملک سلب کرد و بقدری بافتاری کرد که تصدیق بفرمائید اثر بافتاری را بداخل مجلس مقدم میفرمائید باین ترتیب که در وقت محبت ملت یک گرفت نمایندگان مرعوب شدند نمایندگان حق دمزدن نداشتند، نمایندگان همه مرعوب بودند جز یکه دسته بسیار قلیل حتی در مجلس دوره نفاذ هم که یک نفر از آقایان نمایندگان گفتند دسته ای مرعوب و دسته ای مجذوب هستند و بقیه من تمام مرعوب بودند و اگر یک دسته ای از آنها مقاومت نمیکردند آن کار ۱۰ و ۱۲ نفر نماینده آنطور و مقاومت نپار کردند و معضبت بیبش میامد باین چاره ها وقتی اختلاف کم بود مردم در مجلس چاقو کتکها آنها را مضروب میکردند، مجروح میکردند، اتوبیهای آنها را میشکستند و نیکگذاشتند که مردم بطور آزادی رفت و آمد داشته باشند چرا این کارها کرده برای اینکه بیاید در مجلس و بیکدیگر کوشش کند مجلس بیک متنی که دهنده گان نمایندگان مجبور کنند اختیارات قانون گذاری باو بدهند غیر از این است؟ بنده قطع دارم که

والا همیشه باید دعوی باشد) که این یک منظوری داشت که اجازه میوهام را بپذیرد و باید از زوری ستموار دفاتر مالیات حل و فصل شود و کف در هر حوزه مالیاتی کسب و سود را تشکیل شود بنام کسب و سود حل اختلاف مرکب از مسافری یک نفر نماینده دادگستری و دو نفر نماینده ادارتی - و این کسب و سودها مجاز باشند که هر نوع مالیاتی را بهر نحوی از انصاف اهم از مرحله بدوی یا کسب و سود تشخیص بپذیرد کسب و سود تعدیل نظر رسیده باشد یا قطعی پیدا کرده باشد یا مؤدی راضی بپرداخت باشد یا نباشد تمام این قبیل مالیات را حق داشته باشد این کسب و سودها رسیدگی و تصفیه میگردند درصحنه و صفا یعنی بعد از داشتن ۲۰ سال سابقه قانونی مالیات برد آورده و تمام آن آزمایش و تمام آن قوانین تصفیه اصلاح شده منبر به شنیدن هر موردی در شان میوهام پرداخت فرموده قوانین جاری ملک را می بیند (عبدالرحمن فرامرزی - مالیات موهوم بوده است) من نمی خواهم اسم بیرم جناب آقای فرامرزی مسلم بدانید یک حقایق است - مریو نه با عملکرد خود بوده است زیرا مردمانی بودند که طبق قوانین مشمول مالیات های فوق العاده متکین میشدند - شرکتهایی بودند که مشمول مالیات بودند و رای کمیسیون تشخیص هم صادر شده بود با ستاد همان قانون مالیات برد آورده میشد که از آن ها گرفت همان اشخاص رفتند از این قانون استفاده کردند و در آن کمیسیون مالیات یکدمه آن درآمدی که تشخیص شده بود و درآمدش از زوری دفاتر مشخص شده بود یکدمه آنرا دادند - چه دلیلی دارد کسی که ۵۰۰ هزار تومان بهی داشته باشد یک کمیسیون تمام داشته باشد بدون دلیل و مدرک بگوید تمام اینها کانال های مکتوب و فلاقتند به و پنجاه هزار تومان را صلح کردم به پنجاه هزار تومان این را برود آمد دولت است اینهم اگر در مواردی لازم باشد اینطور اصلاح شود در مواردی است که دولت نتواند آن مدارک را ابراز کند اما اگر یک مؤدی خودش آمد و گفت در آمدش اینقدر است ولی گفته که با بیبرود بکمیسیون حل اختلاف این وسیله می شود که یک مقدار زیادی از عواید دولت باین ترتیب از بین برود و از طرف دیگر بکمیسیون اختیار داده بود که اگر مؤدی مالیاتش را نداند اجازه دارد فراتر توفیق مؤدی را صادر کند و اما میداند قرار توفیق کمی صادر شده فراتر توفیق باقلا و قرقا و بیچاره هائی که توانایی پرداخت نداشته - من اطلاع دارم که دو سفر در زیر بند و یک هدای فاضل همان تا چند روز قبل از این در توفیق بودند و این آقای وزیر دادگستری آنها را از توفیق خارج کردند - این قانون مالیات برد آورده در دست گروه که

یکدمه ای از مالیات دهندگان بزرگ تصفیه حساب بگیرند و صدای مفلوک و بدبخت و فقیر و بیچاره بر مرند در زندانها بقتلدهاش راهم تعیین نکرد که اگر کسی رفت در زندان و نتوانست پرداخت کند بوسیله اعضاء و کسالت و واسطه دیگر از آنها دریافت کند حکم قطعی است و شاید صدای بیش از ۵۰۰ ۶۰۰ نفر بگردد ۶۰۰ نفر برای ۶۰۰ نفر توانی زندانها افتاد و تنگنار می کنم جناب آقای فرامرزی نماینده نومان از مالیات مؤدیان بزرگ از بین رفت در اثر سازش - این قانون عادلانه بود این قانون صریح بوده شامل اوقام هستند آقا از سال ۱۳۰۹ تا سال ۱۳۲۳ - چند در این مجلس در این قانون مالیات بر آمد تعدیل نظر شد و بهت شد و مواد اصلاحی داده شد چرا تمام اینها کنار گذاشته شد گفتند وقت به شنیدن هر موردی در شان میوهام قطع کنند برای اینکه گفته بود روزی سیصد هزار لیره درآمد نفت است بزرگ توفیق نیست - حق توفیق خراج کارگران نفت را باید بدهد - حق کارکنان منان را باید بدهد هزار جور بدبختی دیگر هم هست

**عبدالرحمن فرامرزی -** اگر مالیات را بخشیدند بگوید کمیسیون تشخیص مشایخی - ضابطه بندی نتوانست خوب توضیح بدهد (زنک تریش)

**رئیس -** آقای مشایخی بین الانین صحبت نفرمائید من خودم اگر کسی صحبت کند جلو گیری میکنم

**مشایخی -** من در موضوعی که اطلاع نداشته باشم اظهار نظر نمیکنم من هیچ وقت در موضوع دادگستری بحث نمیکنم آن موضوعی که میتوانم بگویم - باز هم راجع به قانون مالیاتی بحث میکنم یک قانونی وضع کرده بود بنام صدی سه اراضی شهری من بشما بگویم - من اصولا با این قانون موافق توضیح میدهم - قانونی وضع کرده که در شهرا هر کسی ۳۰ متر بیشتر زمین دارد و در خارج از شهر هر کسی ۱۰۰۰ متر زمین بیشتر دارد در هر سال صدی ۳ مالیات بدهد در ضمن این قانون ۲۲ شهرستان نوشته گفت این قانون نافذ است در شهرستان است این توضیح این قانون سبب میشود که کسی که از این بزرگ هستند - مخرد کنند و اشخاص میدهند که اگر در سال این مالیات را بدهند قیمت اصل زمین بنام مالیات داده شده و اصل منفی شده این و صحیح و این قانون اصولا برای منع احتکار زمین و برای تقسیم زمین بسیار مفید است اما در کشور در شهر تهران صریح است در هر مورد اما در وجود و ملایر مفید بود - آقای بوزبور در ملایر مفید بود در کرمانشاه جای اجرای این قانون بود - با دوگانه اش اصلاحی در قانون

تربین شربتی بود که بر بزرگ ارتش ایران وارد شد و ما از جناب آقای نخست وزیر و دولت ایشان و آقای وزیر دادگستری و سایر مقامات مربوطه تمتی و تقاضا میکنیم که نسبت به تمام این قوانین بازبینی شود چه در مورد ارتش و چه در مورد دادگستری وجه شهرداری و سایر قسمتها توجه کنند که یکدمه ای که خدمت کرده اند و وطن - پرست هستند حیثیت آنها اعاذ شود بسلامت بدهای تهیه کنند بیاورند به مجلس و ما بآن رای خواهیم داد و شما همه ای می دهید (دکتر جزایری - دادگستری را که برنگردانند) ما مزاحمت فراهم کرده بود رفع کردند من میخواهم بآن قسمت از فرمایشات جناب آقای پیراسته توجه کنم که فرمودند این قبیل قوانین مالیاتی را منبوشتمند گذاشته است جلوی او امضاء میکرد منتم تأیید میکنم مسلماً یکصدای مینوشته میگذاشتند جلوی او امضاء میکرد و من میخواهم بگویم که تمام این قوانین از نظر مالی بنام منعی برای ملک مشرف بوده و اگر هم وقت شد در دفاعات دیگر این موضوع را بیشتر ثابت خواهم کرد و بعضی از قوانین از نظر منعی هم مشرف بود جناب آقای تیمورتاش این مستخدمینی که باز نداشتند شده اند دو طبقه یکدمه مستخدمین لشکری بودند من دو سال در شهرداری تهران بودم یک اختیاری دادند به شهردار سابق بدون رعایت قانون افراد را باز نداشتند کرده بود برای باز نداشتگی یا سی سال خدمت متناوب راه ۳ سال خدمت متوالی و ۶۰ سال عمل زمان است که مستخدمیناً فقراً باز نداشتند میشود - اختیار داده اند به امینی که هر چه خواست بکند - این چه کرد؟ بشما قول میدهم که شرافتمندان قضاوت خواهم کرد روی نظر شخصی نیست - شرف ترین و پاکدامن ترین مستخدمین را منتظر خدمت کردی که آنها همین آقای مایون است که امروز معاون شهرداری است چرا - برای اینکه یک باند بودند اصلا وضع دستگاههای دولتی طوری بود که هر که را مخالف خودش بود بر کنار میکرد این وسیله اطفا می بود که هر مخالف دارد برون دستگامی بود که هر مخالف دارد برون بکند - مگر در دادگستری چه کرده اند بیست استاد - معاون بیست استاد را بچه نوانی بیرون کردند؟ این قوانین باز نداشتگی برای تصفیه کارمندان دولت بود تصفیه باین معنی که یک بخشنامه ای اول صادر کرده بود که شرط کار کردن در حکومت من ایما به مخالف حکومت است و خائن است - آن بخشنامه را باید اجرا کند طرز اجرای این هم این بود - صحیح گفتند آقای پیراسته شرافتمند ترین افسران را که تسلیم هوی و هوس و تالیات او نشده اند - بموجب قانون اختیارات باز نداشتند کرده این بزرگ

خواهد شد میتوانست ملک ایران را از پادشاه خودش روی گردانند - من تصور میکردم که با این وعده و توفیق ما میتوانست بقاصد نفسانی خودش موفق شود در رژیم جمهوری برقرار کند

اما یکدمه و ملطیرست در این ملک بودند من فراموش نمیکنم آقای خوشتری شما سه سال پیش این حرفها را زدید و گفتید این آقایانیکه توی مجلس بودید مبارزه کردید و گفتید - اینها - تذکرش باعث تصدیق آقایان است ولی - هر حال آقایان ملت ایران سلطنت طلب است رسوم و آئینش سلطنت طلبی است دین ما سلطنت است و توفیق کرده است - آئین ما تأیید مقام سلطنت است مقامی است که شهنشاز سال است در تاریخ این ملک ثبت شده - هیچ ایرانی به هیچ نحوی از اینک غیر از رژیم سلطنتی رژیم دیگری را قبول ندارد و ملک را در سایه سلاطین بافتخارات بزرگ نائل شده - ما سلطنت طلب هستیم مضافاً بر اینکه اعلی حضرت محمد رضا شاه را دوست داریم و وطن ما در دست مرد بزرگی است و او پدر مهربانی است برای ملت ایران - هر که ممکن است که از این شخص دست بردارد و برود بظرف مصدق - اشتباه کرده است مصدق آقایان بهر حال این ملت ایران در رسیدن بآمال خودش برای ملی کردن صنعت نفت حاضر بود تمام کارهای مصدق را با چشم بنگاه کند ولی پای شهامت در بین آمد همه را کنار گذاشت گفت دیگر کول نبخورم دیگر نمی خواهم نفت را ملی کنی در یک چنین موقعی تیسار سیهب زاهدی نقش بزرگی بازی کرد - تیسار سیهب زاهدی از زمامداران قبل - از موهمی که تمام زحمت و زمامداران ملک که همیشه اوقات نشسته اند پشت چشمان باز است که باز رئیس الوزرا بشویند و به مرعوب شده بودند - آقا تنها کسی که گفت من از جان و کمال خود میکندم و ملک را از تاجت میدهم این سیهب زاهدی بود

آقایان اولاً در مجلس سنا از مجلس سنا که بیرون آمد در توفیق که در مجلس در تمام موارد ایستاد با اقلیت همکاری کرد - جایزه معین کردند که او را بیابند - پیدا کنند و تسلیش کنند - نیز سید مقاومت کرد و با این دستگاه بود و شد و تا آنجا که در خور توانائی یکسری از وطنپرست بود که برای روز نجات ملک - ذخیره شده بود میرانست زحمت کشید (میراشرافی - یکسری از ملت است) ایشان زمام امور ملک را در دست گرفتند - ما فراموش نمیکنیم همان طوری که آقای با باین آوردن مجسمه های اعلی حضرت نقید با این مانور و با این صحنه سازی با فریب دادن و گلبها و ملت ایران با وعده دادن این که روزی سیصد هزار لیره عاید این ملک

و یکبار مسلسل فرار دادند بالاخره آن کاخ فرعونیی سرنگون شد و بالاخره تیسار سیهب زاهدی در یک دست فرمان شاه و در دست دیگر پرچم ایران روی نانک برای نجات ایران با پشتیبانی ملت ایران فداکاری کردند - ایشان آنروز گفته که امنیت را برقرار میکنم و مادیدیم که این قسمت برنامه خودشان را بهترین وجهی انجام دادند و امنیت را برقرار کردند - ماجرا جوانان را سرکوب کردند - ما با کمال قدرت از شما پشتیبانی میکنیم برای سرکوبی اغلال گران و تأمین امنیت در این کشور آقایان ما برای چه اینجا جمع شدیم و چه می خواهیم منظور ما این است که خرابیهای گذشته را اصلاح کنیم میخواهیم بساط هرج و مرج و فتناء و اغلال را بر چینی کنیم میخواهیم امنیت را در ملک استقرار دهیم میخواهیم کشور را از تیره روزی مردم کشور را از آسایش - بغنی برهانیم میخواهیم اقتصاد ملک را درست کنیم میخواهیم بهداشت و فرهنگ و سایر اموری را که برای یک ملک مترقی لازم است تأمین کنیم

مجری این بیات باید کسی باشد که با اراده و در عین حال اصلاح طلب باشد و کسی باشد که از مشکلات بیم و هراس نداشته باشد و موانع را از بین بردارد و بظرف بنده این شخص همین آقای سیهب زاهدی و انجام این منظور ها از عهده ایشان ساخته است

آقای سیهب زاهدی وضع ملک خلی آشفته است هیچ کاری در این کشور دور محور حقیقی خود نیچر شده خرابیها بیشتر از آن است که بتوان شرح داد و مجلس شورای ملی از انضا انتظار دارد که آنچه در زور دارد ببنصه عمل بگذارند - من تصدیق میکنم که در هشت ماه گذشته که زمام امور این ملک ترا بدست گرفته اند قهقهائی برای اصلاحات بر داشته اند نظم و آرامش را مستقر ساخته اند تا حدی جلوی گیری از خرابکاری و سایر عملیات اخلاکگران کرده اند شروع بکار هائی کرده اند که انشاء الله نتایج خوبی در ملک گرفته خواهد شد ولی اینها کافی نیست خرابی یکی دوتا و هزار تا نیست - سیستم اقتصادی ما بدست وضع بهداشت ما خوب نیست قوانین مالیاتی ما ناقص است وزارتخانه های ما خوب اداره نمی شود و هزاران معایب و مفاسد دیگر در این ملک وجود دارد که ذکر آنها جلسات عموماً مجلس شورای ملی را خواهد گرفت و این آقایان نمایندگان مجلس شورای ملی از شما انتظار داریم که این معایب را رفع کنید

این گران روز افزون که پایه و اساس آن مردمی که سینه خودشان را در مقابل

نگهدستی و فلاکت عومی ما بود سیستم اقتصادی غلطی است که در این کشور حکم فرمات چون آقای پیراسته فرمودند که فقر عومی و این وضع اقتصادی ملک ما را از گران ارز است - مگر گران ارز را بی تأثیر بنیاد ملی عامل مؤثر آن را نمی دانم

من منتقمه که سیستم اقتصادی ملک ما از ۱۳۰۸ وضع پیدا کرده که متأسفانه این معطربا آنطور که باید و شاید تجزیه و تحلیل نگردانند و من از جناب آقای نخست وزیر و جناب آقای وزیر اقتصاد ملی تقاضا میکنم خیلی مختصر برای من توجه بفرمایند در ۱۳۰۸ قانونی گذاشت بنام قانون انحصار تجارت خارجی در ایران که کلیه تجارت وارداتی و صادراتی کشور را طبق این قانون با اختیار دولت گذاشت دولت براساس این قانون یک قسمت از واردات کشور را بعنوان کنتراول وسهیه تعویل بازگاتان کرد و یک قسمت را هم خودش تصدیق شد

من منتقمه که مثل وضع آن قانون چیز دیگری بود اما اثراتی که بر آن قانون فلات مرتب شده است اقداماتی است که باعث وضع کنونی اقتصادی و بدی آن شده است چرا در دنیا در دو جور مالیات مستقیم مالیات مستقیم دیگری مالیات غیر مستقیم مالیات قند و جای غیر مستقیم است مالیات مستقیم مثلا مالیات برد آورده است

اما این قانون انحصار تجارت خارجی یک مالیات دیگری است و بعینده من عملای اقتصادی ایران باید یک نزدیکی بنویسد و بدینا بگویند که این وضع مالیات در دنیا صحیح نیست غیر از مالیات مستقیم و غیر مستقیم یک مالیات دیگری هم هست و آن بر قندشکر دارد میگردد این مالیات بر مصرف فرآورده های از کما تا اولین برصورت ملک - قند و شکر می خورد و قند و شکر مصرف میکنم و مالیاتش را هم ادا میکند اما یک چیز دیگری هم شما دارید میگیرید و آن حق انحصار است - آن سود بازگاتی است یک پولی میگیرید بنام حق انحصار یک پولی میگیرید بنام سود بازگاتان که در هیچ کجای دنیا نیست (دکتر مشیر فاطمی - خرج خود ما باید در بیاید) در تمام دنیا با اصولی هست کشور باید هر چه بپردازد خود و خرج را هم باید مردم ملک بدهند - مردم چه جور باید بدهند - از راه مالیات باید بدهند - در هیچ کجای دنیا از راه تجارت خراج ملک را نیبعدمند - این تجارت نیست اگر میخواهد خرج مالیات ملک را از راه قند و شکر تأمین کند امروز باید بگوید کیلویی ۲۵ تومان اینکه نهد - مالیات بر مصرف مالیات غیر مستقیم است اما این عوارض که فعلاً بر

قند و شکر در این کشور بسته میشود صورت مالیات صحیح ندارد آقایان شکر الان بیهوده است جیره بندی ۱۸ ریال فروخته میشود ۹ ریال بتوان این مالیات گرفته میشود این مربوط بانعامالی نیست - سیستم از سال ۲۰۰۸ در دولت اجرا شده من نمیکنم جناب آقای نخست وزیر جناب آقای وزیر دارائی برای مردم یک فکر دیگری میکنند مردم تعدیل پرداخت مالیات قند و شکر را ندارند مردم حاضر هستند طبق تا کهای کمتری کم کنند بدهند اما اگر شما بیاورید دولت خودتان این عمل را نالو کنید قند و شکر جزو ضروریات اولیه این ملک است شما خودتان میدانید که وقتی قیمت قند و شکر تری میگردانید در ان گوشه کم پیدا می کنید باقی مانده ای بکند - در دولت تیسار سیهب زاهدی که مورد پشتیبانی قاطبه مجلس شورای ملی است این تصمیم را بگیرد (تیمورتاش - این جای بحث است و خیلی آقا تیمورتاش - استوها - من هم فقیه خودم را میگویم شما عقیده خودتان را) عقیده خودم را عرض میکنم مورد بحث و مداقه واقع شود منظور من مقصود از آن قانون چیز دیگری بود آن قانون برای معاملات خارجی و معاملات با مالک دیگر آنوقت خوب بود در آنوقت این قانون وضع شد برای معاملات با شوروی تصدیق میکند خدمت بود ولی بدجور شده بدجور مالیات توجه کنید این برای پول وسیله گرانی معیشت زندگی شود توجه کنید با بدبخت زندگی نزل کند یکی از راههایش تنزل دادن قیمت قند و شکر و قماش است (یکی از نمایندگان - وقت) ملت ایران حداقل زنده بگویند که راضی چه نداشت - نان صحیح نیست غیر از مالیات مستقیم و غیر مستقیم یک مالیات دیگری هم هست و آن بر قندشکر دارد میگردد این مالیات بر مصرف فرآورده های از کما تا اولین برصورت ملک - قند و شکر می خورد و قند و شکر مصرف میکنم و مالیاتش را هم ادا میکند اما یک چیز دیگری هم شما دارید میگیرید و آن حق انحصار است - آن سود بازگاتی است یک پولی میگیرید بنام حق انحصار یک پولی میگیرید بنام سود بازگاتان که در هیچ کجای دنیا نیست (دکتر مشیر فاطمی - خرج خود ما باید در بیاید) در تمام دنیا با اصولی هست کشور باید هر چه بپردازد خود و خرج را هم باید مردم ملک بدهند - مردم چه جور باید بدهند - از راه مالیات باید بدهند - در هیچ کجای دنیا از راه تجارت خراج ملک را نیبعدمند - این تجارت نیست اگر میخواهد خرج مالیات ملک را از راه قند و شکر تأمین کند امروز باید بگوید کیلویی ۲۵ تومان اینکه نهد - مالیات بر مصرف مالیات غیر مستقیم است اما این عوارض که فعلاً بر

